

اصل‌ها و خوانشِ معماری ایرانی

دکتر محمد منصور فلامکی

نشر فضا

وابسته به

مؤسسه علمی و فرهنگی فضا

تهران - پاییز سال ۱۳۹۱



سرشناسه	:	فلامکی، محمدمنصور، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی/محمدمنصور فلامکی.
مشخصات نشر	:	تهران : نشر فضا، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۶۰۵ص: مصور (رنگی): ۲۲×۲۹ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۶۳۸-۰۹-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	معماری ایرانی
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۱ ۶الف۸ف/NA۱۴۸۰
رده بندی دیویی	:	۷۲۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۹۸۰۸۱۳



نشر فضا

وابسته به

مؤسسه علمی و فرهنگی فضا

تهران: میدان هفت تیر، خیابان عبدالکریم شریعتی، پلاک ۲۸. تلفن: ۸۸۳۰۷۳۸۶

اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی

تألیف : دکتر محمدمنصور فلامکی

ناظر فنی چاپ: شاهرخ اسمی

چاپ نخست: پاییز ۱۳۹۱

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: ناصح

طرح روی جلد: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

ISBN:978-600-5638-09-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۳۸-۰۹-۷

یادداشت ناشر

بررسی‌هایی که به کار شناخت وضع کنونی مکتوبات ما در باب معماری ایرانی می‌آمدند، در سنجش با نیازهایی که پیش‌روی داریم، "نشر فضا" را بر آن داشت که از تدوین کتاب حاضر حمایت کند. از دیدگاه این ناشر، شناخت پیوندهایی که میان اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی برقراراند، آن جا مقبول می‌آیند که راه خوانش معماری‌های نهان در "هفت گنبد"‌های ما را می‌گشایند و از رازهایی زنده که میان سخن به کلام و سخن به تصویر برقراراند می‌گویند. "نشر فضا" امید دارد که این فراورده‌اش بتواند، ابزاری برای نمایاندن این راه به شمار آید و مورد عنایت دوستدارانش قرار گیرد.

نشر فضا

آبان ماه ۱۳۹۱

فهرست مطالب

۱۷	 مقدمه
۳۳	 گزارش نخست: چارچوبی برای باز شناخت معماری ایرانی
۳۳	 ۱- نکته‌ای در آغاز
۳۶	 ۲- زمینه‌های شناخت و پرداخت معماری
۴۸	 ۳- نیاز به راهی نو برای شناخت و آفرینش معماری
۴۹	 الف- دستمایه‌های مطالعاتی علمی - تاریخی در معماری
۴۹	 ب- گزارش‌های پژوهشی و کتاب‌های علمی - فنی معماری
۵۱	 پ- راهی نو برای بازشناخت معماری ایرانی
۵۵	 گزارش دوم: شناخت معماری‌های ایران زمین
۵۵	 ۱- مقوله‌ی شناخت معماری، امروز
۵۶	 ۲- شناخت و ذات پویای آن در معماری
۵۹	 ۳- مؤلفه‌های شناخت در معماری
۵۹	 الف- موجودیت معمارانه، "ابژه"ی شناخت
۶۲	 ب- شناسنده‌ی پژوهشگر
۶۴	 پ- مخاطب شناخت: نیازها و خواسته‌ها
۶۶	 ت- جهان سازنده‌ی اثر، به روز آفرینش آن

- ث- محیط بنا؛ موجودیتی دگر کننده و دگرپذیر ۶۷
- ۴- شناخت معماری و ابزارمندی مدرن آن ۷۰
- ۵- پاسخ به پرسشی پایه‌یی: چگونه با معماری ایرانی آشنا شویم؟ ۷۱
- ۶- بازشناخت معماری و تشخیص‌های معماری‌های ایران زمین ۷۲
- الف- دگرپذیری‌های نسبی معماری ایرانی ۷۳
- ب- توان اثرگذاری "نسیم"‌های فرهنگی و تجربی بر پیکره‌های معماری ایران ۷۵
- پ- مقیاس اثرگذاری جغرافیا و اقلیم بر فراورده‌های معماری ۷۸
- ت- فراورده‌های معماری در فاصله‌ی میان فراز و نشیب‌های مدیریتی در ایران ۸۱
- ث- اندیشه‌های ماندگار و ماندگاری اندیشه در آفرینش معماری ایرانی ۸۳
- ۷- در باب شناخت محتوایی "اصل"‌ها و "ویژگی"‌ها برای خوانش معماری و معماری ایران..... ۸۷
- ۷-۱- شاخه‌ی آمیختگی ساختاری ۹۰
- ۷-۲- شاخه‌ی آمیختگی کالبدی ۹۴
- ۷-۳- شاخه‌ی آمیختگی کاربردی ۹۹
- الف- معماری‌های فردی - انسانی ۱۰۲
- ب- معماری‌های فردی - الهی ۱۰۵
- پ- معماری‌های فردی - جمعی ۱۱۱
- ۷-۴- شاخه‌ی آمیختگی شکلی ۱۱۶
- الف- نقش‌ها یا تصویرهای آمیخته ۱۲۴
- ب- عناصر ساختمانی، آورنده‌ی صورت ۱۲۵
- پ- پیایی مقیاس‌ها و شکل‌ها در معماری ایرانی ۱۲۸
- ت- شکل و وابستگی‌های آن به ماده در معماری ایرانی ۱۳۰
- ث- پیوستگی‌ها و وابستگی‌های شکل به تکنولوژی ساختمان ۱۳۱
- جست‌وجوی شکل برون در معماری ایرانی: نگاره‌گری در سنجش معماری ۱۳۳
- ۱- نظم و ابزارهای سخن نگاره‌های ایرانی ۱۳۳
- ۲- نگاره‌گری ایرانی، به قید نظم سخن می‌گوید ۱۳۳
- ۳- ویژگی‌های ترکیبی و ابزارهای فضایی نگاره‌های ایرانی ۱۳۶
- ۴- شالوده‌ی فضایی نگاره‌های ایرانی ۱۴۰
- یکم - فضا: آرایش و نمایانی آن در نگاره‌های ایرانی ۱۴۴
- دوم - فضا؛ بینش و نظم نهان، در ذات نگاره‌های ایرانی ۱۴۵
- سوم - فضا؛ والایی اندیشه و افق‌های آن در نگاره‌های ایرانی ۱۴۶

- ۷-۵- شاخه‌ی آمیختگی محیطی ۱۵۰
- الف- محیط، در گستره‌ای فراگیر ۱۵۰
- ب- محیط و معماری؛ از خاستگاه‌های مفهومی تا الزام‌های میان شالوده‌یی ۱۵۲
- پ- ماندگاری و ناپایداری شاخه‌ی آمیختگی محیطی معماری ۱۵۷
- یکم - جهان درون هسته‌های معماری ایرانی ۱۵۸
- دوم - شاخه‌ی آمیختگی محیطی و ابزارمندی هسته‌های مسکونی معماری ایرانی ۱۵۹
- الف- ابزارمندی متکی بر پیکره‌های کالبدی ۱۵۹
- ب - خانه‌ی ایرانی به مثابه محفل احساس‌ها و ادراک محیط ۱۶۲
- پ - شاخه‌ی آمیختگی محیطی معماری و چگونگی‌های نیایش ۱۶۵
- ۱- پ - مؤمن و فضای فکری وی ۱۶۶
- ۲- پ - حرمت‌گزاری بر محیط مذهبی ۱۶۷
- ۳- پ - سازمان‌دهی فضای ساخته شده برای نیایش ۱۶۹
- ۴- پ - شاخه‌ی آمیختگی محیطی و فضای معماری فردی - همگانی ۱۷۰
- ۵- پ - نقش شاخه‌ی آمیختگی محیطی در شکل‌گیری فضاهای همگانی ۱۷۱
- ۶- پ - ابزارمندی فضاهای همگانی در معماری ایرانی از دیدگاه محیطی ۱۷۷
- ۷- پ - بهره‌وری معنایی از بار محیطی فضاهای همگانی ۱۷۹
- گزارش سوم: اصل‌های معماری ایرانی ۱۸۳
- ۱- یادداشتی در آغاز ۱۸۳
- ۲- "اصل"‌های معماری ایرانی ۱۸۵
- اصل نخست ۱۸۹
- همسویی شاخه‌های آمیختگی معماری ایرانی، فضا را به یگانگی وجود می‌برد ۱۸۹
- در آغاز، نکته‌ای پایه‌یی ۱۸۹
- ۱- "محفل یگانه" ۱۹۱
- ۲- آورده‌های شاخه‌های آمیختگی در محفل "یگانگی" اثر معماری ۱۹۶
- ۲-۱- معادله‌ای که روی به یگانگی دارد ۱۹۶
- ۲-۲- معماری به مثابه فراورده‌ای زاده از تصمیم ۲۰۱
- ۳- وجه گسترده‌ی یگانگی بر معماری‌های ایرانی ۲۰۴
- اصل دوم ۲۰۵
- پیکره‌ی کالبدی معماری ایرانی در بستر جغرافیایی فرهنگ بومی شکل می‌گیرد ۲۰۵

۲۰۵	۱- یادداشتی در مقدمه
۲۰۹	۲- اقلیم‌ها و جغرافیای زیستگاهی
۲۱۲	۳- جهت‌یابی یا سمت‌پذیری فضای معماری ایرانی
۲۱۷	۴- رفتارهای پیکره‌ی کالبدی معماری در برابر اقلیم‌ها
۲۱۸	الف- هماهنگی‌های محیطی - معماری و فرهنگ‌ها
۲۱۹	ب- گزینش اندازه‌ها و تعیین معیارهای محیطی
۲۲۰	پ- ابزارمندی‌های فنی - ساختاری
۲۲۱	۵- محیط جغرافیای طبیعی و جهت‌یابی معماری ایرانی
۲۲۳	۶- اقلیم‌ها و معماری‌های ایرانی
۲۲۳	الف- فضای فردی - انسانی، در مقیاس خانه‌ی مسکونی
۲۲۴	ب- فضای فردی - الهی، در مقیاس نیایشگاه‌ها
۲۲۵	پ- فضای فردی - اجتماعی، در مقیاس خدمات روزمره
۲۲۷	اصل سوم
۲۲۷	معمار ایرانی، محور اصلی فضای درونی بنا را به تکریم، ابزارمند می‌کند
۲۲۷	۱- یادداشتی آغازین
۲۲۸	۲- مقوله‌ی یکپارچگی و چگونگی راه یافتن به دنیای معماری ایرانی
۲۳۵	۳- اقتصاد فضایی و نقش آفرینی محور در معماری ایرانی
۲۳۷	الف- هزینه‌ی فضا و هدفمندی معنایی و مفهومی
۲۳۸	ب- هزینه‌ی فضا و هدفمندی ساختاری
۲۳۹	پ- هزینه‌ی فضا و هدفمندی پیکره‌بندی بناها
۲۴۰	ت- هزینه‌ی فضا و هدفمندی کاربردی
۲۴۲	ث- هزینه‌ی فضا و هدفمندی‌های محیطی
۲۴۴	۴- انتظام فضایی و ساختار محور ارجح در معماری ایرانی
۲۴۷	۵- زبان، بیان فاخر و محور بهینه در معماری ایرانی
۲۵۱	اصل چهارم
۲۵۱	اندازه‌گذاری بر مسیرها و مکان‌های معماری ایرانی زاده‌ی تجربه‌های معماران است
۲۵۱	۱- زمان، رمز بزرگ معماری
۲۵۲	۲- زمان، در تعریف معماری ایرانی
۲۵۶	۳- زمان و چگونگی‌های کاربری آن
۲۶۲	۴- زمان و معماری فضای چهار بعدی، در تجربه‌ی معماری ایرانی

مقدمه

۱- یادداشتی در آغاز

به سال‌هایی که زندگی می‌کنیم، نیاز به آن چه بتوانیم دوست بداریم، همه روزه رخ می‌کند و هر بار با وجهی دگر، و نه الزاماً نو؛ یک روز، ناخواسته حتی، شیفته‌ی نور می‌شویم و روزی دیگر چندان به اندازه‌گیری و اندازه‌گذاری بر نور اندیشه می‌کنیم که گویی نور، هم بر چشمان و نیز بر دل مان، زیاده می‌تابد. روزی، از یافته‌های نو چندان شاد می‌شویم که گویی برف‌ترین راه و بهترین توشه‌های آن را در دست داریم و می‌توانیم، به سان انسانی که جز از طی طریق پاک نتواند رفت، برویم. و - فردای همان روز - به ذهن مان می‌آید که تعیین کننده‌ی راه طی شده‌ی ما، الزاماً یافته‌ها و ابزارهای زیبا و پر جاذبه نبوده‌اند.

تلاش برای شناخت آن چه باید دانست و باید داشت، تعیین کننده‌ی سلامت راه است؛ اما تلاش، سلامت راه و به سرمنزل مطلوب بردن ما را تضمین نمی‌کند. شناخت متکی بر ابزارهای لازم برای طی طریق به شیوه‌ای مقبول و مطلوب، می‌تواند دست و بال مان را برای تعمق ببندد و ما را به فضای منوری که پیش روی توانیم داشت، رهسپار نکند. و از دور ماندن از چنین راهی است که ما ایرانیان معمار، زیان‌ها دیده‌ایم.

چگونه است که آدمی زاده‌ی معمار - و شاید هنوز بیش، هر آدمی زاده‌ای که با مقوله‌ی آفرینش فضا سروکار دارد - می‌تواند به درستی راهی که می‌رود تا به فراورده‌ای مطلوب برسد، اطمینان پیدا کند؟ چگونه می‌توان اطمینان یافت که راه و روش موفق دیروز، که بر اصولی معین اتکاء داشته، هم به نکته‌ها و شیوه‌ها یا روش‌های علمی و تجربی استوار بوده و هم نتایجی درخشان به بار آورده است...، هم نمایانگر و هم برآمده از "الگو"ی بهینه بوده است.

ما دوست داریم، پیش از رفتن به سراغ سایر نکته‌هایی که پیش‌روی داریم، بگوییم راهی که در صفحه‌های متن طی کردیم، نه صرفاً بر پایه‌ی استدلال و استنتاج و استنباط است و نه منحصرأً متکی بر هر آن‌چه از راه شناخت منطقی می‌تواند به دست آید.

در طول نکته‌هایی که در صفحات کتاب پیش‌روی‌مان آمده‌اند، تجربه‌ای نو را خواهیم زیست؛ راهی که امید بر آن دارد نویسنده و خواننده را، با بینش‌هایی برخاسته از سنجش آشنا کند؛ و این، به معنای دست‌یابی به صورت مسأله‌هایی است هر بار نو، که شناسنده‌ی کتاب خواهد یافت.

۲- چگونه به فراورده‌های معماری سرزمین‌مان بنگریم؟

در متنی که بیش از پنج سال پیش نوشتن‌اش را آغاز کردیم و اساس و درون‌مایه‌اش را، از حدود بیست و سه سال پیش از امروز سر کلاس‌های دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌های کشور، ارائه کرده بودیم، خیلی نکته‌ها می‌آیند. این پرشماری نکته‌ها را دو سبب بود: اول، خود موضوع یعنی معماری ایران است؛ ثرف‌نگر است و به شمایل‌های هر بار دگر در پهنه‌ی ایران زمین رخ می‌کند؛ و دوم، فضای فکری کم یا بیش ساده دلی است که، عشق به شناخت را مایه و انگیزه گرفته و همیشه نتوانسته است شرط علم را بر آن بیافزاید.

روزی نوشتیم - و بارها باز خواندیم‌اش - که "معماری همانند درختی است" "تأثیر پذیر از آب و خاک و نسیمی که بر آن می‌وزد؛ و این نکته را تا آنجا کاویدیم که دانستیم، هرگز، دو درخت برابر را، هیچ‌کس نتواند یافت و سپس یادآور شدیم که، در سرزمین ما، هرگز، هیچ‌کس، دو اثر معمارانه برابر را به دنیا بیاورده است تا دیگران بتوانند آن را به عالم تعمیم ببرند.

در طول نوشتارهای هفتگانه‌ی کتاب، این نگرانی همیشه بوده است: چگونه و از چه سخن بگوییم که پژوهندگان جوان‌تر ما، نکته‌ای یا خبری یا تصویری یا مفهومی را، در سراسر کتاب، بیش از یک‌بار نبینند و نخوانند. پاسخ گویی به این امر، کاری چندان ساده نبود زیرا، سخن گفتن از "اصل"‌ها، نمی‌تواند بر ذخیره‌هایی پرشمار تکیه نکند و برای رسیدن به جمله‌ای که باید تمامی شاخص‌ها و معناها و مفهوم‌های قابل تعمیم

را درون خود داشته باشد و، مستقل از سایر اصل‌ها اما وابسته به آن‌ها، وجهی ملموس و قابل تصور به دست دهد.

از این روی بود که متن هر یک از اصل‌های هفتگانه‌ی معماری ایرانی - از اولین باری که در دومین "کنگره‌ی جهانی معماری ایرانی"، در سال ۱۳۷۸، در شهر بم رسماً عنوان گشتند، تا روزهایی که به آخرین سنجش‌ها برده شدند همواره بار انتزاعی داشتند. و از این روی بود که به روزهای آماده سازی کتاب، "کروکی"های خاصی برای هر اصلی ترسیم شدند تا بتوانند، به شناخت بار انتزاعی "اصل"ها راه دهند و نیز بتوانند، وجه تمایز هر یک را، به بیانی انتزاعی، نمایان کنند.

هر یک از اصل‌های هفتگانه‌ی معماری ایرانی - به تفسیر و بیان تصویری این نویسنده، از روزهای تدوین کتاب حاضر تا امروز، آرام آرام، بیانی قاطع‌تر و خشک‌تر پیدا کردند. شناخت توان انتقال مفهوم هر یک از اصل‌های هفتگانه - که به سایر شش اصل وابسته است و در چارچوبی یگانه با آن‌ها قرار می‌گیرد، با آن‌ها دارای پیوستگی‌هایی نهان است. باز شناساندن این موضوع کار این نویسنده است و امری است که، در نهایت، در فضای اندیشه‌ی و تصویری خواننده‌ی کتاب محقق می‌گردد. جالب توجه است یادآوری شود که هر بار این نویسنده با مشکلی نظیر آن چه هم‌اکنون گفتیم روبه‌روی گشته، راهی جز این نیافته است که، در پی همه‌ی تلاش‌هایی که باید برای رسایی سخن صورت گیرند، به امید ارجمندی نیز دل ببندد؛ به این مضمون که خواننده‌ی متن، برای نزدیک شدن و باز یافتن مفهومی که مورد نظر است، تلاش خواهد کرد. دوست داشتنی است گزارش گردد که، سخن گفتن به بیان انتزاعی در باب معماری و معماری ایرانی، به همان اندازه دشوار است که نشاط‌آور؛ به همان اندازه نیاز به سنجش‌های پیاپی دارد که طالب قاطعیت و استحکام کلامی است. و به جا است گفته شود که نویسنده، راهی جز آن نیافته و نداشته است که از تجربه‌هایش کمک گیرد و، هنوز بیش، خواستار یاری معمارانی شود که - به ویژه طی ده ساله‌ی اخیر و پس از بازخوانی "باززنده‌سازی" و "شکل‌گیری معماری" و "فارابی" و "حریم‌گذاری" و "نوسازی و بهسازی شهری" و به ویژه پس از شناخت کتاب "ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری" - ره همدلی و همراهی با وی را گشوده‌اند.

به سراغ جهان معنا نمی‌روند و برنامه‌های آموزشی آنان نیز، چنان که باید، پی‌جوی نظریه‌پردازی نیستند. در این محفل‌ها، پر شمار فرصت‌ها، راه دست یازیدن به تدوین و طراحی فضای معماری را تکیه بر وجه ملموس و کاربردی و روزمره‌ی داده‌های معماری می‌داند. چنین راه و روشی برای رسیدن به جهان معماری - چندین دهه است که نا مقبول و نارسا دانسته شده و پذیرای تحولاتی اساسی گشته: در دهه ۱۹۶۰ اروپا و در سال‌های گذار به دهه‌ی ۱۳۵۰ در ایران، راه برای تدبیرهایی نو برای شناخت و آفرینش معماری گشوده شده است. هر آینه تأکیدی دوباره و گذرا بر این نکته داشته باشیم که، به سال‌هایی که می‌گذرانیم، نظریه‌پردازی در معماری بر هر مقوله‌ی دیگری فائق آمده است، سخنی جز واقعیت نگفته‌ایم.

بخش نخست کتاب حاضر نیز، به همین نکته پرداخته است. بخش دوم کتاب اما، سخنی دگر دارد و لازم به نظر می‌رسد درباره‌اش به کوتاه سخن اشاره‌هایی داشته باشیم. و در این زمینه، یادآوری ارجاع‌ها و اتکاءهای این نویسنده بر ادبیات ایران - به ویژه ادبیات منظوم آن - بی جا نیست؛ جایی که فردوسی و حافظ و عطار راهگشای پژوهنده می‌شدند و از منشورها، بیش از همه، عزیزالدین نسفی، یار و راهنمای این نویسنده بود. در این کتاب اما، وضعیت عمومی فرآورده‌ی ما دگراست: ارجاع به "هفت‌پیکر"، برپایه‌ی شناخت موجودیت‌های پارامتریک پرشماری صورت می‌گیرد که محتوای این اثر را، به ویژه برای پژوهشگران معماری از دیدگاهی که "مدرن" دانسته می‌شود، اثری مدرن یا نو پرداز به شمار می‌آورد.

کتاب "هفت پیکر" اثر نظامی گنجوی از آن جهت به عنوان فضایی فراگیر پر شمارترین نکته‌های معمارانه برگزیده شد که، در ذات آن، نکته‌های پرشمار و گونه‌گونی، در جهان معناها و رفتارهای محیطی دیده می‌شوند: معناها، به شمار بسیار و در کنج‌ها و برها و صحنه‌های فضای کالبدی کتاب دیده می‌شوند و رفتارهای محیطی گونه‌گون و متکی بر جهان معانی را می‌توانیم در هر محفلی، در طول داستان‌های هفتگانه‌ی کتاب، بشناسیم.

"هفت پیکر" - که پی‌جوی بازشناسانیدن نهادهای انسانی در محیط جمعی و گروهی و شهری آدمیان است - خوبی و بدی، زیبایی و نکوهیدگی،

نرمش‌پذیری رفتاری و تندخویی متکی و منضبط بر عادات خشک و دستوری را، در تمام صفحات گنجینه‌ی خود، به جنگ یک‌دیگر و در تقابل با یک‌دیگر نمی‌برد. نظامی سازنده‌ی فضایی می‌شود که درون‌اش، آدمیان برخوردار از خصلت‌های ذاتی متفاوت و گاه متضاد، از طریق رفتار و گفتارشان، به سنجش برده می‌شوند. در این زمینه، باید در نظر داشته باشیم که بزرگ منشی و آزاده اندیشی نظامی چندان آسمانی است که وی را از حکم‌گذاری منزّه می‌کند.

برون از چارچوبی اندیشه‌یی و اخلاقی که به آن اشاره‌ای داشتیم، سخن از فضاهایی به میان می‌آید که جلوه‌ی معمارانه دارند - و گاه، خود، معماری‌اند و پرداختن به این امر، بهترین یا سودمندترین تلاشی به شمار می‌آید که طی سه گزارش پایانی کتاب، به علاقه‌مندان کاوش در جهان معنا، عرضه می‌شود. برای نویسنده‌ی کتاب - بسیار بیش در گزارش‌های معطوف به هفت پیکر و به اندازه‌ای کمتر در نوشتارهای چهارگانه‌ی اولیه‌ی کتاب - فرصت زیبایی پرواز در فضای اندیشه فراهم آمد؛ این پرواز اما، به دلیل حرمت‌گزاری بر تعهدی که در پایان دادن به کتاب خلاصه می‌شد، صورت نپذیرفت و به زمانی و فرصتی دیگر موکول گشت. از پرشمار تصویرها و برداشت‌ها و تعلیم‌هایی که به دست داده شدند، نویسنده دوست می‌دارد این چند سطر را بنویسد و این، یکی از ده‌ها نکته‌ی اساسی و پرقدری است که "گوهر آمای گنجخانه‌ی راز"، به دوستداران‌اش هدیه می‌کند. نظامی، یکی از شهروندان شهر سیاه‌پوشان را، برای شناخت واقعیت‌های شهرش به پرواز در می‌آورد: سبدي ورنسني و مرغی مرد شائق به دانستن را به پرواز می‌برند و پس از تجربه کردن شهر دگری که از هر بهشتی که بتوانی تصوّر و تصویر کنی چیزی کم نداشت، به فرودی که به بازگشت قوهای سفید بر سطح آب می‌ماند باز می‌گرداند. این افسانه، در حقیقت امر، سخن از آن دارد که در "پشت دریاها شهریست" که، بر فرازش، نه به "جابلسا" و به "جابلقا"، که به "هُور قلیا" راه توانی یافت؛ شهر آرمانی‌ای که ایرانیان آزاده و نیک سرشت، هزاران سال پیش، در "پشت" آسمان‌ها، تدبیر کرده‌اند.

این کتاب - که به عشق نوشته شده و تلاش در پرداختن زبری‌های کار

تدوین و چاپ را به دل پذیرفته است - هدیه‌ای کوچک به همه کسانی است که دوست می‌دارند تعلق خویش به جهان اندیشه را با نگریستن به زبری‌های روزمره‌ی معماری‌های برخاسته از روزمرگی تعویض نکنند. در این مدون، تصویرهایی آورده شده‌اند که، به مناسبت، دگر می‌شوند: گاهی چندان انتزاعی‌اند که ناآشنا یا آشنایی ناپذیر جلوه می‌کنند؛ گاهی دیگر یادآور روزمرگی‌هایی می‌شوند که جز تکرار ترسیم‌هایی متداول برای‌شان راهی نیست و - گاهی دیگر - در برابر آفریده‌های معماری و هنری‌ای قرار گرفته‌اند که جز باز آوردن‌شان راهی برای یادآوری وجود پرقدرشان نیافته‌ایم. کتاب، حاوی "کروکی"هایی نیز هست که گناه به انتزاع زیاده بردن موضوع‌شان به عهده‌ی نویسنده است. در میان تصویرها - آن‌جا که پژوهش می‌خواسته زمینه‌هایی ملموس به دست دهد، آواک‌هایی از ساختار زبان شناختی معماری ایرانی ارائه می‌دهد که به نظم نمایش‌شان را خانم مهندس شرمین بشارت به عهده گرفتند. و همکاری‌های‌شان در آماده سازی تعدادی از تصویرها، موضوع قدردانی صمیمانه‌ی نویسنده است. متن نیز، بازنویسی با "سیستم"هایی شده که در طول تدوین دگرگونی نسبی یافته‌اند؛ در این مورد در زمانی اولیه سرکار خانم مژده شعار کمک کرده‌اند و سپس، سرکار خانم آزاده تیمورلو بسیار کوشیده‌اند و جرخه‌ی فعالیت‌های آماده سازی کتاب را به عهده گرفتند و سپاس‌گزاری صمیمانه و قدردانی نویسنده را داشته‌اند؛ سرکار خانم تیمورلو، در طول زمانی نسبتاً کوتاه در برابر عمر مؤسسه و نشر فضا، به مهری که شایان قدردانی و سپاس است، مدیریت کارهای پیچیده و پیشرفته‌ی فنی آماده سازی فرآورده‌های چاپی "نشر فضا" را به عهده دارند. کار ظریف و پرقدردان تدوین نهایی ترسیم‌ها یا کروکی‌ها و تصویرها و عکس‌گذاری بر کتاب - از طریق نسخه برداری از کتاب‌هایی در شرایط کنونی ما بهترین تصویرها را - به ویژه از نگاره‌های ایرانی - با تأییدها و تشویق‌هایی نیز همراه گشته است که انگیزه‌شان، بازتاب دادن تأییدیه‌های عزیزانم دکتر رضا بهبهانی، دکتر سیروس باور، دکتر شاهین کی‌نوش را، همراه با صمیمیت سرکار خانم مهندس بشارت به همراه داشته است. همه آن‌چه فراهم کردیم را، به دست‌های پرمهر جناب آقای مهندس شاهرخ اسمی سپردیم تا، با چاپ کتاب به دور از هرگونه خطایی

که زاده‌ی ماشین‌های "پیشرفته" است کاستی‌های نویسنده در نوشتار و در تدوین کتاب را، به مهر، جبران کنند.

تهران، آ‌مرداد ماه ۱۳۹۱
منصور فلامکی

www.ketab.ir